

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران



تحول معنایی واژه «بالاخره» از منظر دستور گفتمان

اعظم نورا^{۱*}

چکیده

مطالعه حاضر با استفاده از پیکره‌ای از زبان فارسی عامیانه، به بررسی تحول معنایی واژه «بالاخره» از منظر دستور گفتمان پرداخته و نشان می‌دهد که واژه مذکور با ورود به سطح گفتمان، معانی مرتبط با موقعیت گفتمان را در زبان فارسی عامیانه اکتساب نموده است. قید «بالاخره»، به عنوان واحدی از دستور سطح جمله، برای کاربرد در سطح گفتمان عضوگیری شده و لذا، به یک نقش‌نمای گفتمان یا نوعی واحد معترضه‌ای تبدیل شده است. معترضه «بالاخره»، معانی مرتبط با موقعیت گفتمان یعنی مؤلفه‌های سازماندهی گفتمان (معانی متنی)، نگرش‌گوینده (معانی ذهنی)، و تعامل‌گوینده-شنونده (معانی بین‌ذهنی) را اکتساب نموده است. همچنین، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره»، در مقایسه با نقش‌نماهای متعارف، از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر ایفای همزمان انواع نقش‌های بین‌ذهنی، معانی مرتبط با مؤلفه‌های دانش از جهان خارج (معنای پیش‌انگاشتی) و منبع اطلاعات (معنای گواه‌نمایی) را نیز نمایه می‌کند. بنابراین، هر چند تحول نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» دیدگاه تراگوت و داشر (۲۰۰۲) را نیز در خصوص تغییر معنایی نقش‌نماهای گفتمان تأیید می‌کند اما نشان می‌دهد که، برخلاف دیدگاه محققین فوق، بین‌ذهنی شدن نقطه پایان تغییر معنایی نمی‌باشد.

کلید واژه: دستور گفتمان، بالاخره، معنای (بین‌ذهنی، معنای پیش‌انگاشتی، معنای گواه‌نمایی)

* anoora@dehaghan.ac.ir

دکتری زبان‌شناسی از دانشگاه اصفهان و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان



۱. مقدمه

نقش‌نماهای گفتمان، یک مقولهٔ نقشی-کاربردشناختی را در زبان تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، آحاد این مقوله اگر چه ریشه در طبقات واژگانی-دستوری دارند اما، خود طبقه‌ای صوری (واژگانی-دستوری) نبوده و لذا، می‌توان این عناصر را مقوله‌ای میانی، بین عناصر قاموسی و عناصر دستوری زبان دانست که در سطح غیر ارجاعی پیام‌ها عمل کرده و برای انتقال اطلاعات درباره جهان خارج به کار نمی‌روند. در واقع، هرچند عناصر مذکور از نظر ساختاری اختیاری می‌باشند اما از نظر معنایی، به عناصر دستوری نزدیک‌تر هستند (هنسن^۱، ۱۹۹۸: ۲۲۵). به منظور حل مشکل هستی‌شناختی واحدهای گفتمانی همچون نقش‌نماهای گفتمان، کالتن باخ^۲ و دیگران (۲۰۱۱)، معتقدند که این عناصر زبانی مقوله‌ای متعلق به دستور سطح معترضه (گفتمان) می‌باشند.

به عبارت دیگر، از منظر دستور گفتمان، مقوله‌های دستوری را می‌توان حاصل دستوری‌شدگی در دو سطح متمایز زبان دانست که عبارتند از دستور سطح جمله و دستور سطح معترضه^۳. این دو سطح، دو نظام مجزا از نظر نحوی و نوایی بوده و هر کدام ساختار درونی خود را دارد. سازه‌های دستور سطح جمله عبارتند از: گروه‌ها، کلمات و تکواژها، بعلاوهٔ ابزارهای واژ-نحوی که این سازه‌ها را به هم مرتبط می‌کند. دستور سطح معترضه، نظام جداگانه‌ای است که نیازهای شناختی و ارتباطی پیش آمده در موقعیت کلامی را مدیریت می‌کند. در واقع، این دو نظام در عین حال که با یکدیگر تعامل دارند اما مبتنی بر اصول متفاوتی هستند. بنابراین، واحد پایه‌ای تحلیل در این دو سطح، متفاوت است به این صورت که در دستور سطح جمله، واحد تحلیل، همان واحدهای آشنای ساختار جمله است اما در دستور سطح معترضه، واحد تحلیل، واحدهای اطلاع خودمختاری هستند که از نظر نحوی و نوایی، از گفتهٔ میزبان خود مستقل می‌باشند. معنای واحدهای مذکور که معترضه‌ای^۴ نامیده می‌شوند، توسط نقش آنها در کلام، شکل می‌گیرد. محققین (هاینه^۵ و دیگران، در دست تهیه الف و ب؛ هاینه، ۲۰۱۳؛ کالتن باخ و دیگران، ۲۰۱۱) این حوزه معتقدند که عملیات عضوگیری^۶ عامل ایجاد معترضه‌ای‌ها بوده و دسته‌ای از معترضه‌ای‌ها^۷ نقش‌نماهای گفتمان هستند.



از منظر دستور گفتمان، نقش اصلی نقش‌نماهای گفتمان مرتبط ساختن یک گفته به موقعیت گفتمان، خصوصاً به سازماندهی متن، نگرش گوینده و تعامل گوینده-شنونده است. در واقع، موقعیت گفتمان شامل شبکه پیچیده‌ای از مؤلفه‌های در هم تنیده است که نسبت به یکدیگر انحصار متقابل ندارند، به این معنا که حضور یکی به معنای عدم امکان حضور دیگری نیست و در یک بافت یا کنش گفتمانی خاص، یکی از این مؤلفه‌ها ممکن است نسبت به بقیه برجستگی بیشتری داشته باشد. این مؤلفه‌ها عبارتند از سازماندهی متن، نگرش گوینده، تعامل گوینده-شنونده، منبع اطلاعات، زمان و مکان گفتمانی، و دانش از جهان خارج.

مؤلفه‌های مذکور به خوبی می‌توانند تعابیر بکار رفته در توصیف تغییرات معنایی دخیل در دستوری شدگی^۸ گفتمانی/کاربردشناختی شدگی^۹ نقش‌نماهای گفتمان را تبیین کنند. بنابراین، تعجبی ندارد که معنای معترضه‌ای‌ها و از جمله نقش‌نماهای گفتمان توسط محققانی همچون تراگوت و داشر^{۱۰} (۲۰۰۲) با ارجاع به مفاهیمی مثل ذهنی‌شدگی^{۱۱} (مؤلفه نگرش گوینده) و بین‌ذهنی‌شدگی (مؤلفه تعامل گوینده-شنونده) توصیف شده است. همچنین، در^{۱۲} (۲۰۱۰) و دگاند و وندنبرگن^{۱۳} (۲۰۱۱) نیز در مورد تحول نقشی و معنایی نقش‌نماهای گفتمان، این گونه پیش‌بینی نموده‌اند که عناصر مذکور چند نقش عمده را می‌پذیرند که عبارتند از نقش متنی، نگرشی (ذهنی) و تعاملی (بین‌ذهنی).

پژوهش حاضر نیز با در نظر گرفتن دیدگاه دستور گفتمان و محققان فوق، تحول معنایی واژه «بالاخره» را در زبان فارسی عامیانه بررسی نموده و نشان می‌دهد که واژه مذکور با ورود به سطح گفتمان، کدامیک از معانی مرتبط با موقعیت گفتمان را اکتساب نموده است.

۲. عضوگیری قید «بالاخره» از سطح جمله

فرهنگ‌های لغت (عمید، ۱۳۴۲؛ فرهنگ جامع فارسی، ۱۳۶۳؛ معین، ۱۳۷۴؛ فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، ۱۳۷۶) متفق القول هستند که کلمه «بالاخره»، قیدی است که از زبان عربی قرض گرفته شده و معنای اصلی آن سرانجام و عاقبت، می‌باشد. در واقع، این کلمه یک قید بیانگر ترتیب زمانی است که نقطه پایان یک رخداد را برجسته می‌کند و



البته، گاهی این نقطه پایان، بیانگر نتیجه یک کنش می‌باشد. به عبارت دیگر، «بالاخره» واحدی از دستور سطح جمله است که معنایی مفهومی-واژگانی دارد، لذا معنای آن توسط نقشش به عنوان یک قید مشخص می‌شود نه توسط موقعیت گفتمان. مثال‌های زیر نمونه‌هایی از همین کاربرد را نشان می‌دهد:

(۱) چند ساعت تو پاساژ گشتم برا علی به چیزی بخرم، بالاخره هم هیچی پیدا نکردم!
(هما به خواهرش)

(۲) بعد از ۵ ساعت تأخیر، بالاخره قطار راه افتاد (محسن به مادرش)

با این حال، نمونه‌های مختلف کاربرد «بالاخره» در زبان روزمره حاکی از این است که قید مذکور تحت عملیات عضوگیری قرار گرفته و به یک معترضه‌ای یا یک واحد اطلاعاتی دستور معترضه تبدیل شده است. به عبارت دیگر، از منظر دستور گفتمان (کالتمن باخ و دیگران، ۲۰۱۱)، قید «بالاخره»، از دستور سطح جمله به دستور سطح معترضه منتقل شده و به عنوان یک نقش‌نمای گفتمان، انواع معانی مرتبط با موقعیت گفتمان را اکتساب نموده است. در قسمت زیر بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از مکالمات روزمره، وبلاگ‌های فارسی و گفتگوهای تلویزیونی، این تحول را از منظر دستور گفتمان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳. «بالاخره»، واحدی از دستور معترضه

از منظر دستور گفتمان، به محض این که «بالاخره» به عنوان واحدی از دستور جمله عضوگیری شده و به یک معترضه تبدیل می‌شود، معنای آن توسط شبکه پیچیده موقعیت گفتمان تعیین می‌شود. با توجه به این که مرز بین مؤلفه‌های مختلف موقعیت گفتمان شفاف نبوده و هر نقش‌نمای گفتمان همزمان می‌تواند در بیش از یک سطح عمل کند، تقسیم بندی نقشی زیر جامع و کامل نبوده و صرفاً بیانگر این است که در هر بافت، یک نقش گفتمانی می‌تواند برجسته‌تر از سایر نقش‌ها تلقی شود. در قسمت زیر نقشی‌هایی را که



معرضه «بالاخره»، در ارتباط با مؤلفه‌های مختلف موقعیت گفتمان کسب کرده است بصورت مختصر بیان می‌کنیم^{۱۴}:

۳-۱. نقش متنی (مؤلفه سازمان بندی گفتمان)

از منظر دستور گفتمان، قید «بالاخره» که بیانگر نقطه پایان زمانی^{۱۵} است، از معنای مفهومی و ارجاعی خود که مرتبط با جهان خارج است، فاصله گرفته و با ورود به جهان گفتمان، معنای مرتبط با مؤلفه سازماندهی گفتمان را، کسب کرده است. در قسمت زیر، توضیح بیشتر نقش‌های متنی مذکور ارائه خواهد شد.

۳-۱-۱. مدیریت موضوع

نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» می‌تواند برای شروع یک (زیر) موضوع جدید و یا بازگشت به موضوع قبلی مورد استفاده قرار گیرد. نمونه‌های زیر بیانگر این نقش متنی می‌باشد:

(۳) مجری: بله دوستان بیننده، بالاخره فصل مدارس در پیشه و دستان سخاوتمند شما مردم نوع دوست ... (در شروع بخش جدیدی از برنامه)

(۴) بالاخره اون وامی که گفتمی، واسه چی می‌خواستی؟ (گفتگوی دو همکار)

در نمونه (۳)، گوینده با استفاده از «بالاخره»، یک (زیر) موضوع جدید را شروع کرده و ضمن جلب توجه مخاطب به بخش بعدی گفتمان، قسمت بعد از نقش‌نمای گفتمانی مذکور را در گفتمان، برجسته می‌کند. در نمونه (۴) نیز، «بالاخره»، به عنوان تمهیدی برای بازگشت به موضوع قبلی مورد استفاده قرار گرفته است. در این راستا، فینل^{۱۶} (۱۹۹۲) نیز یادآور می‌شود که نقش‌نمای گفتمانی تغییر دهنده موضوع، گوینده-محور، شنونده-محور، و همچنین گفتمان-محور هستند و با جلب توجه شنونده به شیوه‌ای که گوینده می‌خواهد گفتمان را سازماندهی کند، ارتباط را تسهیل می‌کنند (نقش بین ذهنی). آیمر^{۱۷} (۲۰۰۲) نیز معتقد است که چنین نقش‌نمایی هرچند ابتدا، بیانگر چگونگی پیشرفت موضوعی گفتمان بر اساس دیدگاه گوینده هستند، اما در عین حال، به شنونده اعلام می‌کنند که چگونه توجه خود را در گفتمان مدیریت کند و لذا، شنونده-محور نیز



می‌باشند. تراگوت (۱۹۹۵) نیز، بر این باور است که وقتی گوینده با استفاده از نقش‌نماهای گفتمانی، (زیر) موضوع را تغییر می‌دهد در واقع، راهبردی را برای گرفتن نوبت و بیان نگرش ذهنی خود اتخاذ کرده است.

۳-۱-۲. نشانگر نقطه پایان گفتمانی^{۱۸}

گوینده ممکن است با استفاده از نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره»، آخرین مورد از موارد بیان شده در یک فهرست را نشان داده و یا آخرین مرحله در یک روند متوالی و یا نتیجه یک فرایند را برجسته نماید. فرناندز^{۱۹} و دیگران (۲۰۰۶) معتقد هستند که این کاربردها می‌تواند یک عنصر زبانی را به راهبردی برای سازماندهی گفتمان تبدیل نماید. در واقع، نقش‌نماهای گفتمانی مشتق شده از قیود زمان (بالاخره، حالا، و بعد)، بواسطه ماهیت اشاره‌ای، می‌توانند به منظور بیان کردن و یا برجسته کردن مراحل مختلف گفتمان، مورد استفاده قرار گیرند. در خصوص نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» نیز، این نقش به وضوح، بسط کاربرد آن را، به عنوان قید بیانگر نقطه پایان زمانی نشان می‌دهد.

(۵) ... ساعت ۸ اومد، بعد هم یه دوش گرفت و بعد فوت کردن شمع و باز کردن کادو و بالاخره پیش به سوی شب نشینی خونه پروانه جون! (برگرفته از یک وبلاگ)

(۶) مجری: برنامه امشب رو تماشا کنید تا ببینیم در برنامه نیمه نهایی، در خدمت بالاخره کدامیک از این دوستان خواهیم بود (شبکه آموزش، برنامه قند پهلوی)

(۷) ... کلی تو ترافیک موندیم، بعد هم تو صف ایستادیم و بالاخره، موفق شدیم وارد محوطه بازی‌ها بشیم ... (برگرفته از یک وبلاگ)

(۸) شما ضد آفتاب بازها میشه راهنماییم کنید، آخه موندم بالاخره ضد آفتاب، کدومش رو بگیرم؟ (برگرفته از یک وبلاگ)

در نمونه‌های فوق، نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» به شیوه‌های متفاوتی، در نقش نشانگر نقطه پایان گفتمانی، مورد استفاده قرار گرفته است. در نمونه‌های (۵) و (۶)، «بالاخره» آخرین مورد از موارد بیان شده در یک فهرست را برجسته می‌کند اما در نمونه (۷)، آخرین مرحله در یک روند متوالی را بیان می‌نماید. در نمونه (۶)، مجری برنامه، ضمن



مفروض گرفتن فهرست شرکت کنندگان در این دوره از برنامه، با استفاده از «بالاخره»، به آخرین افرادی که از این فهرست، وارد مرحله نیمه نهایی می‌شوند اشاره می‌کند. نکته جالب در نمونه مذکور، جای قرار گرفتن واژه «بالاخره» است که نشان می‌دهد که مطابق پیش بینی تراگوت (۱۹۹۵)، این عنصر زبانی از قید فعل به قید جمله و در نهایت به یک نقش نمای گفتمانی تبدیل شده و نقش مرتبط با موقعیت گفتمان را (نقش متنی فوق‌الذکر و همچنین نقش ذهنی برجسته سازی بخشی از گفتمان) پیدا کرده است. همچنین در نمونه (۸) نیز، استفاده از «بالاخره» به منظور برجسته سازی نتیجه یک فرایند است. در نمونه مذکور، گوینده به طور ضمنی به وجود دیدگاه‌های متنوع و متناقض در مورد موضوع مطرح شده در گفته اشاره کرده و با استفاده از «بالاخره»، نتیجه یا جمع بندی کلی آن دیدگاه‌ها را مورد پرسش قرار داده است.

۳-۱-۳. ارائه مثال

گاهی گوینده با استفاده از نقش نمای گفتمانی «بالاخره»، نمونه‌هایی را از آنچه در بخش قبلی گفتمان مطرح شده است ارائه کرده و بواسطه آن، محتوای قسمت قبلی را، در راستای تسهیل تعامل، به صورت شفافتر و دقیق‌تر بیان می‌کند (متنی و بین ذهنی). در نمونه زیر، گوینده با استفاده از «بالاخره» نه تنها نمونه‌هایی از یک مجموعه سینما را بیان می‌کند، بلکه گفته قبلی را نیز مجدداً صورت بندی نموده است:

(۹) ... خیلی از سینماها از این فرصت استفاده کردند و مجموعه سینماشون رو معرفی کردند، بالاخره، صدای خوب، تصویر خوب، صندلی خوب رو به مردم معرفی کردند (شبکه ۳، ویتامین ۳، بحث درباره جشنواره فیلم فجر)

۳-۱-۴. بیان جمع بندی

گاهی گوینده از «بالاخره» برای جمع بندی مطالب قبلی استفاده می‌کند و با این کار پردازش مطالب مطرح شده را نیز برای مخاطب تسهیل می‌نماید. همچنین با استفاده از «بالاخره»، گوینده توجه مخاطب را به جمع بندی مطرح شده جلب کرده و آن را در کانون توجه اشتراکی شان قرار می‌دهد. بنابراین، استفاده از این نقش نمای گفتمانی در این نقش،



به مؤلفه تعامل گوینده و شنونده، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان نیز مرتبط بوده و لذا، این نقش‌نمای گفتمانی علاوه بر نقش متنی جمع بندی، کاربرد بین ذهنی نیز دارد. البته، لازم به ذکر است که اگر این کار توسط گوینده برای جمع بندی گفته‌های مخاطب انجام شود، می‌تواند بیانگر توجه کامل گوینده به گفته‌های مخاطب بوده و درجات بالاتری از بین ذهنی شدگی را نشان دهد.

- (۱۰) پنج‌شنبه لیلا و فرهاد خونمون بودند. خب، مثل همیشه خوش گذشت. تا ساعت ۲ پیشمون بودند، بعد که رفتند، چون جمعه هم قرار بود مریم اینا بیان اینجا، تا ساعت ۳ داشتم جمع و جور می‌کردم و بالاخره، این که با بودن خاله، جمعه خوبی داشتیم و حوصله‌مون سر نرفت (برگرفته از یک وبلاگ)
- (۱۱) ... از وقتی پیش آقای طاهری هستم، اوضاعم بهتره، تونستم خونه بخرم، بالاخره، یه لقمه نون حلال می‌برم سر سفره زن و بچه ام (شبکه ۲، عصر خانواده، گزارش از یک ناوایی)

۳-۱-۵. بیان نتیجه‌گیری

یکی از نقش‌های «بالاخره» در زبان روزمره، بیان نتیجه‌گیری از قسمت‌های قبلی گفتمان است، که نقش متنی داشته و مرحله جدیدی را در گفتمان مطرح می‌کند. به دلیل این که عمدتاً گوینده در بیان نتیجه‌گیری، نظر شخصی خود را نیز لحاظ می‌کند، این نقش همزمان متنی و ذهنی است. بعلاوه، به دلیل این که این کار در راستای فهم بهتر مطالب صورت می‌گیرد، تعامل را تسهیل کرده و لذا بین ذهنی نیز می‌باشد. همچنین، گاهی ممکن است گوینده نتیجه‌گیری را بصورت یک پیشنهاد یا نصیحت بیان کرده و با استفاده از «بالاخره» بار تحمیلی آن را برای مخاطب کاهش دهد (بین ذهنی نگرشی).

- (۱۲) کارشناس مشاوره: ... من بهش گفتم که خودکشی کار خوبی نیست و بالاخره، کسی که این کار رو می‌کنه، اون دنیا رو هم در واقع تخریب می‌کنه (شبکه قرآن)

همانگونه که ملاحظه می‌کنید در نمونه فوق، گوینده با استفاده از «بالاخره» از مطالب قبلی نتیجه‌گیری کرده و این تضمن را مطرح می‌کند که بخش پس از نقش‌نمای گفتمانی



مذکور، یکی از نتیجه‌های قطعی منتج شده از مطالب قبلی است که با سایر نتیجه‌گیری‌های ممکن، رابطه‌ی حداقلی دارد. به عنوان مثال، گوینده در نمونه (۱۲) این تضمین را مطرح می‌کند که خود کشتی، اگر هیچ مضرت دیگری هم نداشته باشد (که دارد)، آخرت را قطعاً خراب می‌کند، و آخرت که خراب شود، تکلیف سایر مضرات حاصله، روشن است.

۳-۱-۶. صورت‌بندی مجدد

نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» ممکن است در نقش صورت‌بندی مجدد به کار رفته و گوینده بواسطه آن مطالب مطرح شده در قسمتهای قبل را به بیانی دیگر مطرح کند. در واقع، مخاطب در چنین شرایطی با توجه به راهبرد شیوه^{۲۰} گرایس^{۲۱} (۱۹۷۵) و همچنین اصل شیوه^{۲۲} لوینسون^{۲۳} (۲۰۰۰)، استنباط می‌کند که گوینده صرفاً همان اطلاعات قبلی را بیان نکرده و اطلاعات اضافه‌ای را ارائه می‌کند. نمونه زیر بیانگر کاربرد «بالاخره» در این نقش می‌باشد:

(۱۳) اختلاف تحصیلات، به هر حال اختلاف فکری ایجاد می‌کند، یا ازدواجی که خانم دکتر اشاره کردند که هم کفو نیستند، بالاخره مشکل دارند، تناسب ندارند ... (شبکه ۴، برنامه اردیبهشت)

۳-۲. نقش ذهنی (مؤلفه نگرش گوینده): بیان ارزیابی معرفتی^{۲۴}

نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره»، در مسیر تحول معنایی خود در زبان روزمره، علاوه بر نقش‌های متنی-ذهنی فوق، نقش مرتبط با نگرش گوینده یا نقش ذهنی را نیز اکتساب کرده است. در واقع، گوینده ممکن است از این عنصر زبانی، به عنوان راهبردی گفتمانی برای بیان ارزیابی خود استفاده کند. این کار ممکن است با ارجاع به هنجارهای اجتماعی، مذهبی، و فرهنگی و یا صرفاً بر اساس نقطه نظر شخصی گوینده صورت گیرد. تراگوت (۲۰۰۴) معتقد است که بیان ارزیابی بر اساس نقطه نظر شخصی گوینده، بیانگر پیشروی در مسیر دستوری شدگی است و می‌توان آن را به صورت به نظر من... دگرگویی کرد. نمونه‌های زیر ناظر به این کاربرد ذهنی است:



(۱۴) بالاخره، چاقی هم برا خودش خوبی‌هایی داره، یعنی آدم برا لباسش وسواس نداره، چون هرچی بپوشی باز هم چاقی! (برگرفته از یک وبلاگ)

(۱۵) آدم پس اندازشو خرج کنه ولی خوشگل تر بشه، ارزشش رو داره بالاخره! (گفتگو با متقاضی جراحی زیبایی)

برخلاف نمونه‌های فوق، در نمونه‌های زیر، نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» پیشروی بیشتری در مسیر تحول معنایی داشته و گوینده ارزیابی خود را با استناد به یک هنجار یا یک زمینه مشترک بین خود و هم صحبت، مطرح می‌کند. همچنین، گوینده به دنبال قطعیت بخشیدن به ارزیابی خود می‌باشد لذا، تراگوت (۲۰۰۴)، این کاربرد را ارزیابی معرفتی می‌نامد. او معتقد است که این کاربرد نقش‌نماهای گفتمان، به طور ضمنی، قابل قبول بودن دیدگاه گوینده را نیز بیان می‌کند. همچنین او بر این باور است که این کاربرد، به دلیل توسل به هنجارهای آشکار اجتماعی و بین فردی، نوعی تضمین یادآوری را به همراه دارد. بنابراین، استفاده از «بالاخره» را در این نقش می‌توان به صورت همانطور که همه می‌دونیم، و همچنین با استفاده از قید تأکید «البته»، دگرگویی کرد. در واقع، گوینده از طریق این نوع بیان ارزیابی، استدلالی را برای نتیجه‌ای که به صورت تضمین منتقل می‌شود، ارائه می‌نماید:

(۱۶) مادر: بچه‌ام مهدی دلواپس ازدواج سمائشه.

دختر: که بالاخره هم به روزی اتفاق می‌افته!

(۱۷) شاگرد که میشی، بالاخره حقوق پایین بهت میدن، به خاطر نون خراب کردن (شبهه ۲، عصر خانواده، گزارش از یک نانوایی)

همانگونه که ملاحظه می‌کنید، در نمونه‌های فوق، گوینده ارزیابی خود را با استناد به یک هنجاری که به قول تراگوت (۲۰۰۴)، در دسترس گوینده و مخاطب می‌باشد، بیان می‌کند. او به این شکل، به ارزیابی خود قطعیت بخشیده (معرفتی) و مخاطب را به پذیرش نتیجه‌گیری منتقل شده به صورت تضمین، دعوت می‌کند. به عنوان مثال، در نمونه (۱۶)، گوینده با استناد به یک هنجار اجتماعی (این که فرزند باید ازدواج کند)، ارزیابی خود را، به عنوان استدلالی برای این نتیجه‌ی ضمنی بیان می‌کند که: پس تو نباید نگران دلواپسی‌های



او باشی. در نمونه (۱۷) نیز، گوینده این نتیجه‌گیری را به صورت تضمن منتقل می‌کند: پس جای اعتراض باقی نمی‌ماند.

۳-۳. نقش بین ذهنی (مؤلفه تعامل گوینده-شنونده)

همانگونه که قبلاً مطرح شد، یکی از مؤلفه‌های مهم موقعیت گفتمان که در تکامل نقش‌نماهای گفتمان یا در اصطلاح دستور گفتمان، در تکامل معترضه‌ای‌های دستوری شونده، نقش مهمی ایفا می‌کند مؤلفه تعامل گوینده و شنونده است. این مؤلفه زمینه را برای ظهور نقش‌های بین‌ذهنی که روی نیازهای ارتباطی مخاطب تمرکز می‌کنند، فراهم می‌کند. در این راستا، قسکوآری^{۲۵} و دیگران (۲۰۱۲)، با ارجاع به مطالعات موردی در خصوص صفات، عبارات احتیاط آمیز^{۲۶}، عبارات احترام آمیز^{۲۷} و عبارات ضمیمه‌ای^{۲۸} و براساس مفهوم توجه مشترک^{۲۹} دیسل^{۳۰} (۲۰۰۶) و رویکرد تراگوت به بین‌ذهنی بودن، سه نوع نقش بین‌ذهنی نگرشی، متنی، و واکنشی را متمایز می‌کنند^{۳۱}. عموزاده و نورا (۱۳۹۳) نیز با در نظر گرفتن معانی نقش‌نمای گفتمانی «یعنی»، بین‌ذهنی همبستگی-محور را به تقسیم بندی فوق اضافه می‌نمایند.

بررسی داده‌های مورد مطالعه، نشان می‌دهد که گویشوران زبان فارسی، از نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» برای تمرکز روی نیازهای ارتباطی مخاطب نیز استفاده می‌کنند. لذا، این نقش‌نمای گفتمانی عهده دار انواع معانی بین‌ذهنی مرتبط با مؤلفه تعامل گوینده و شنونده، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان شده است. در واقع، کاربرد «بالاخره» را در نمونه‌هایی مثل (۱۵)، که نقش‌نمای گفتمانی در پایان گفته قرار گرفته است، و یا در برخی نمونه‌های بیانگر نقش بین‌ذهنی نگرشی، که در آنها گوینده علاوه بر حفظ وجهه مخاطب، کنش گفتاری را بیان کرده، و واکنشی شناختی/رفتاری را از مخاطب مطالبه می‌کند (ر.ک. ۳-۳-۱)، می‌توان بیانگر نقش بین‌ذهنی واکنشی نیز دانست. همچنین، کاربرد نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» را در نقش نشانگر نقطه پایان گفتمانی^{۳۲}، می‌توان بیانگر نقش بین‌ذهنی متنی نیز در نظر گرفت. به عبارت دیگر، گوینده با این کار، موارد برجسته شده را در کانون توجه اشتراکی خود و هم صحبت قرار می‌دهد. جهت اجتناب از اطناب، در بخش زیر، کاربرد «بالاخره» در دو نقش بین‌ذهنی نگرشی و همبستگی-محور مطرح



می‌شود. لازم به ذکر است که در کاربردهای بین‌ذهنی «بالاخره»، انواع نقش‌های بین‌ذهنی، همزمان قابل مشاهده بوده و این پدیده نسبتاً کمیاب است. قسکوآری و دیگران (۲۰۱۲)، اعلام می‌کنند که آنها چنین عنصر زبانی که همزمان انواع نقش‌های بین‌ذهنی را ایفا کند، نیافته‌اند و احتمال وجود چنین عنصری را به زبان‌های دیگر واگذار می‌کنند.

۳-۱-۳. بین‌ذهنی نگرشی

استفاده از «بالاخره» می‌تواند بیانگر توجه گوینده به وجهه مخاطب نیز باشد. به عبارت دیگر، گوینده با استفاده از این نقش‌نمای گفتمانی، سعی می‌کند تهدید وجهه حاصل از پرسش و یا کنش گفتارهای ارشادی را به حداقل برساند.

(۱۸) مجری: تو بخشی از گزارش‌هایی که گرفته بودیم، مردم اشاره داشتند به بالاخره،

گرونی سینما و هزینه‌هایی که سینما رفتن داره ... (شبکه ۳، ویتامین ث، گفتگو

با مسئول سینمایی وزارت ارشاد)

همانگونه که ملاحظه می‌نمایید، در نمونه فوق استفاده از «بالاخره»، راهبردی برای کاهش تهدید وجهه است. در واقع، مطرح کردن گرانی بلیط سینما، در مقابل کسی که مسئول سینمایی وزارت ارشاد است، می‌تواند وجهه او را تهدید کرده و این تضمین را ایجاد کند که او برای کاهش نرخ بلیط و تسهیل استفاده مردم از سینما تلاشی نکرده است. لذا، گوینده از «بالاخره»، به عنوان راهبردی برای کاهش تهدید وجهه مخاطب استفاده کرده است.

۳-۲-۳. بین‌ذهنی همبستگی-محور: کاربرد توجیهی

کاربرد بین‌ذهنی دیگر نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» که در راستای افزایش صمیمیت و همبستگی بین هم صحبت‌ها می‌باشد، کاربرد توجیهی آن است که بواسطه آن، گوینده توجیهی را برای گفته قبلی یا بعدی خود مطرح می‌کند.^{۳۳}

(۱۹) ... مادر من خونه دار بودند، خیاطی می‌کردند، به من و عروسشون مشاوره می-

دادند، چون بالاخره، خیلی سنتی بودند تو اون دوره‌ای که بودند ... (شبکه ۲،

عصر خانواده)



- (۲۰) ابراهیم رفته، بالاخره وسایلیش که نیست! (فریبا به مادرش)
- (۲۱) ... ما داریم از سیستم آنالوگ تبدیل میشیم به دیجیتال، بالاخره اون هاردهایی که می رسید خوب کپی نشده بود ... (شبکه ۳، گفتگو درباره جشنواره فیلم فجر)
- (۲۲) گاهی لب تاپتون رو بذارین جلوتون، ازش تشکر کنید، بالاخره اونم گناه نکرده مال شما شده (برگرفته از یک وبلاگ)
- (۲۳) گاهی چنان خسته میشم که کارها رو هم تلمبار میشه، شاید نصف اینا طبیعی باشه چون بالاخره، آدم نیاز به استراحت و تجدید قوا داره (برگرفته از یک وبلاگ)
- (۲۴) علی خیلی زرنگه، بالاخره از فامیلای آقا مرتضی است! (دختر به مادرش)

همانگونه که ملاحظه می‌نمایید، در نمونه‌های فوق، گوینده با استفاده از «بالاخره»، گفته قبلی را توجیه می‌کند. کاربرد توجیهی را می‌توان زیر مجموعه کاربرد علی دانست.^{۳۴} تاکاهارا^{۳۵} (۱۹۹۸: ۹۱-۶۵) معتقد است که روابط علی نقش مهمی در راهبردهای گفتمانی ایفا می‌کنند. از نظر او، این روابط تمایزات معنایی دقیقی را دربرمی‌گیرند که نه تنها علت‌های فیزیکی و معلول‌هایشان را دربر می‌گیرد، بلکه دلایل انجام یک کنش، و استنباط یا نتیجه‌گیری بر اساس شواهد را نیز شامل می‌شود.

در این راستا، سویتسر^{۳۶} (۱۹۹۰: ۷۷)، قلمروهای سه گانه‌ای را به ترتیب افزایش ذهنی بودن، برای روابط علی مطرح می‌کند که عبارتند از:

(۱) روابط محتوایی، که بواسطه آن گوینده رابطه‌ای علی را در جهان خارج توصیف می‌کند. این رابطه عینی بوده و می‌تواند ارادی یا غیر ارادی باشد.

(۲) روابط معرفتی، که از طریق آن گوینده بر اساس یک استدلال، نتیجه‌ای را استنباط می‌کند.

(۳) روابط کنش‌گفتاری، که بواسطه آن گوینده کنش‌گفتار خود را توجیه می‌کند. به عبارت دیگر، گفته گوینده، بیانگر دلیلی برای بیان کردن گفته قبلی او محسوب می‌شود.

دگاند و فاگارد^{۳۷} (۲۰۱۲)، به فهرست سه گانه سویتسر، روابط متنی را نیز می‌افزاید و معتقد است که در این فهرست چهارگانه، می‌توان روابط علی غیر محتوایی را (روابط



معرفتی، کنش گفتاری، و متنی) که به ترتیب ذهنی تر بوده و توجیهی را ارائه می‌کنند، روابط توجیهی نامید. از نظر او، روابط توجیهی متنی، روابطی هستند که از طریق آنها، گوینده در مورد رابطه بین دو گفته یا دو بخش گفتمانی، دگرگویی کرده و یا فرایانی را مطرح می‌کند. به عبارت دیگر، قصد گوینده از بیان این روابط، بیان علت یا نتیجه‌گیری نیست، بلکه او می‌خواهد توضیح و یا استدلالی را ارائه نماید.

مطابق تقسیم بندی سویتسر (۱۹۹۰: ۷۷) از روابط علی، و مطابق دیدگاه دگانده و فاگارد (۲۰۱۲) در مورد روابط توجیهی، نمونه‌های (۱۹) و (۲۰)، بیانگر توجیه معرفتی^{۳۸}، نمونه (۲۱) بیانگر توجیه متنی، نمونه (۲۲)، بیانگر توجیه کنش گفتار^{۳۹}، و نمونه‌های (۲۳) و (۲۴)، بیانگر توجیه ارزیابی^{۴۰} می‌باشند. از نظر سویتسر (۱۹۹۰) و دگانده (۲۰۱۲)، دو نمونه آخر، از ذهنی بودن بیشتری برخوردار بوده و در مسیر دستوری شدگی گفتمانی/کاربردشناختی شدگی، پیشروی بیشتری داشته‌اند.^{۴۱}

در عین حال، از نظر نگارنده، کاربرد توجیه معرفتی و توجیه ارزیابی، بیانگر دو کاربرد دیگر نقش‌نماهای گفتمانی است که در مطالعه این عناصر زبانی در زبان‌های دیگر، شناسایی نشده و عبارتند از کاربرد پیش‌انگاشتی (که بواسطه آن گوینده نه تنها دانش خود و مخاطب از جهان را پیش‌انگاشت می‌گیرد، بلکه با استفاده از نقش‌نمای گفتمان می‌تواند به مخاطب پیش‌آگاهی می‌دهد که این دانش مشترک به چالش کشیده شده است^{۴۲}) و کاربردی که نگارنده آن را کاربرد گواه‌نمایی، نامگذاری می‌نماید. کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند که از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، سه مؤلفه سازماندهی گفتمان، نگرش گوینده، و تعامل گوینده-شنونده، در پیدایش نقش‌نماهای گفتمان نقش کلیدی دارند و سایر مؤلفه‌ها، بیشتر در ظهور سایر معترضه‌ها نقش ایفا می‌کنند. بعلاوه، تراگوت و داشر (۲۰۰۲) نیز در نظریه تغییر معنایی خود، بین ذهنی شدگی را نقطه پایان تحول معنایی نقش‌نماهای گفتمان در فرایند دستوری شدگی می‌دانند. با این وجود، بررسی کاربردهای «بالاخره» در زبان روزمره فارسی، نشان می‌دهد که در کاربرد توجیهی، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان، دو مؤلفه دیگر نیز برجستگی می‌یابد و این امر در تحول معنایی نقش‌نماهای گفتمانی سایر زبان‌ها کمتر دیده شده است.



در واقع، معنای نقش‌نماهای گفتمانی در این نقش، مبتنی بر استدلالی است که خارج از معناشناسی جمله واقع شده است. معنای مذکور، دو مؤلفه از موقعیت گفتمان را پیش زمینه سازی می‌کند که عبارتند از مؤلفه دانش از جهان خارج (کاربرد پیش‌انگاشتی) و مؤلفه منبع اطلاعات (کاربرد گواه‌نمایی). به عنوان مثال، در نمونه (۲۰)، بخش دوم گفته (بالاخره وسایلس که نیست)، نه تنها مؤلفه دانش از جهان خارج (قابل رؤیت نبودن، بر حاضر نبودن، دلالت می‌کند)، بلکه مؤلفه منبع اطلاعات را پیش زمینه سازی می‌کند. در واقع، اطلاعات ارائه شده در بخش دوم نمونه مذکور، اطلاعات یا شواهدی را ارائه می‌کند که گوینده بر اساس آن، نتیجه‌گیری خود را در بخش اول (ابراهیم رفته)، بیان می‌نماید.

در پایان این قسمت ذکر دو نکته حائز اهمیت می‌باشد:

الف) معنای توجیه را در نمونه‌های فوق، می‌توان بدون استفاده از نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» نیز منتقل کرد. در واقع، این امر بیانگر ویژگی اختیاری بودن کاربرد شناختی این عناصر زبانی، و همچنین غیر شرایط صدقی بودن آنها می‌باشد. با این حال، همانگونه که تراگوت (۲۰۰۴) تأکید می‌کند، انتخاب یک نقش‌نمای گفتمان به جای انتخاب نکردن و خالی گذاشتن جای آن، از نظر کاربردشناسی معنادار است. به بیان دیگر، گویشوران مطابق اصل شیوه‌لویسون (۲۰۰۰)، انتظار دارند که آنچه به صورت خاص نشان‌گذاری می‌شود، به منظور انتقال معنایی خاص باشد. بنابراین، عدم حضور «بالاخره» در نمونه‌های فوق، تضمن‌هایی را که با حضور این نقش‌نمای گفتمانی منتقل می‌شود نخواهد داشت. به عنوان مثال، یکی از مهمترین تضمن‌هایی که کاربرد توجیهی «بالاخره» منتقل می‌کند، عبارت است از: صرف‌نظر از همه دلایلی که می‌توان ذکر کرد، دلیل مورد نظر من این است که، و یا، علی‌رغم همه اختلاف نظرها و دیدگاه‌های متفاوتی که وجود دارد، توجیه من این است که... مسلماً، عدم استفاده از «بالاخره»، و یا کاربرد سایر نقش‌نمای گفتمان در نقش توجیهی، تضمن فوق را منتقل نخواهد نمود.

ب) در برخی از نمونه‌های فوق (۱۹ و ۲۳) علاوه بر نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره»، حرف ربط «چون» نیز بکار رفته است. از نظر تراگوت (۲۰۰۴)، این موارد بیانگر کاربرد موزون/مقارن^{۴۳} نقش‌نماهای گفتمانی و همچنین، بیانگر نقش حشو در تغییر معنایی است. از نظر او، در مراحل آغازین دستوری شدگی، حشو، یکی از عوامل ضروری تحول معنایی



است. او بر این باور است که در انواع خاصی از گفتمان و همچنین، در برخی بافت‌های خاص، حشو منجر به برجسته شدن تضمن‌هایی می‌شود که در مراحل بعدی تکامل معنایی، زمینه را برای کاربردهای جدید و بدون ابهام عنصر زبانی مربوطه، در معنای مورد نظر فراهم می‌کند.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر به بررسی تحول معنایی واژه «بالاخره» از منظر دستور گفتمان پرداخته و نشان داد که قید مذکور با ورود به سطح گفتمان، معانی مرتبط با موقعیت گفتمان را در زبان فارسی عامیانه اکتساب نموده است. به عبارت دیگر، قید «بالاخره»، به عنوان واحدی از دستور سطح جمله، برای کاربرد در سطح گفتمان عضوگیری شده و لذا، به یک نقش‌نمای گفتمان یا نوعی واحد معترضه‌ای تبدیل شده است. به عبارت دیگر، معترضه «بالاخره»، دیگر بخشی از نحو و معنای جمله نبوده و معانی مرتبط با موقعیت گفتمان یعنی مؤلفه‌های سازماندهی گفتمان (معانی متنی)، نگرش گوینده (معانی ذهنی)، و تعامل گوینده-شنونده (معانی بین ذهنی) را اکتساب نموده است. این تحول را می‌توان به صورت طیف زیر نشان داد:

(۱) واحدی از دستور سطح جمله (قید) [عملیات عضوگیری] معترضه (اکتساب معانی مرتبط با موقعیت گفتمان)

در این راستا، تراگوت (۱۹۸۹) و همچنین تراگوت و داشر (۲۰۰۲)، بر این باور هستند که عناصر زبانی در مسیرهای قابل پیش‌بینی دچار تغییر معنایی منظمی می‌شوند. این تغییرات، بیانگر گرایش‌های همگانی در زبان‌های مختلف برای تغییر معنا می‌باشد. در واقع، تکرارپذیری، قاعده‌مندی و نظم حاکم بر این تغییرات در زبان‌های مختلف و بدون ارتباط با یکدیگر، در عین آنکه مطلق نیست اما به قدری زیاد است که از نظر آنها، ریشه در فرایندهای ارتباطی و شناختی مشابهی دارد. آنها این قاعده مندی را به صورت طیف‌های مختلفی همچون طیف ذهنی شدگی مطرح می‌کنند:

(۲) غیرذهنی ذهنی بین ذهنی



مطابق طیف فوق، اکتساب معانی بین ذهنی، نقطه پایان تحول معنایی نقش‌نماهای گفتمانی است. با این وجود، پژوهش حاضر نشان داد که نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره»، در مقایسه با نقش‌نماهای متعارف از پیچیدگی بیشتری برخوردار بوده و علاوه بر ایفای همزمان انواع نقش‌های بین‌ذهنی، معانی مرتبط با مؤلفه‌های منبع اطلاعات (معنای گواه‌نمایی) و دانش از جهان خارج (معنای پیش‌انگاشتی) را نیز نمایه می‌کند. بنابراین، طیف (۲) را در مورد نقش‌نمای گفتمانی مورد بررسی در این مطالعه، می‌توان به صورت طیف زیر بازنگری کرد:

(۳) غیرذهنی ذهنی بین‌ذهنی / گواه‌نمایی / پیش‌انگاشتی

همانگونه که ملاحظه می‌کنید، در طیف فوق، معانی ذهنی بر معانی بین‌ذهنی تقدم دارند. همچنین، معنای گواه‌نمایی و پیش‌انگاشتی، سایر کاربردهای نقش‌نمای گفتمانی را پیش‌انگاشت می‌گیرد و این امر کاملاً منطقی است. در واقع، این کاربردها مبتنی بر مؤلفه‌های منبع اطلاعات و دانش از جهان خارج، از مجموع مؤلفه‌های موقعیت گفتمان می‌باشند. همانگونه که محققان مختلف مثل در (۲۰۱۰: ۲۱)، دگاند و وندنبرگن (۲۰۱۱: ۲۸۷)، و هاینه (۲۰۱۳) نیز یادآور شده‌اند، اکتساب معانی مرتبط با مؤلفه‌های سازماندهی گفتمان، نگرش‌گوینده، و تعامل‌گوینده و شنونده، توسط نقش‌نماهای گفتمانی زبان‌های مختلف از بسامد بالایی برخوردار بوده و لذا، قبل از معانی مرتبط با سایر مؤلفه‌های موقعیت گفتمان ظهور می‌کنند. به عبارت دیگر، عدم ظهور معنای گواه‌نمایی و یا پیش‌انگاشتی در مطالعات تراگوت و داشر (۲۰۰۲) و یا محققان فوق‌الذکر، نشان می‌دهد که این معانی، پس از معانی متنی و (بین‌ذهنی)، در زبان‌های خاصی (مثل زبان فارسی) ظهور می‌کند و لذا، سایر معانی را پیش‌انگاشت می‌گیرد.

با در نظر گرفتن نکات فوق، تحول معنایی نقش‌نمای گفتمانی «بالاخره» را می‌توان به صورت طیف زیر بیان کرد:

(۴) نشانگر نقطه پایان زمانی [عملیات عضوگیری] نشانگر نقطه پایان گفتمانی (معنای

متنی) بیان ارزیابی معرفتی (ذهنی) کاربرد توجیهی و سایر معانی بین‌ذهنی

کاربرد گواه‌نمایی / پیش‌انگاشتی



در مجموع، پژوهش حاضر، به بررسی تحول معنایی یکی از نقش‌نماهای گفتمانی در فارسی روزمره پرداخته و پیچیدگی آن را در مقایسه با نقش‌نماهای متعارف در سایر زبان‌ها نشان می‌دهد، لذا، نتایج چنین پژوهش‌هایی احتمالاً می‌تواند با دو پیامد کلی همراه باشد: الف) تدوین کتب درسی دربارهٔ دستور زبان، با در نظر گرفتن نقش گفتمان و کاربرد شناسی در ظهور مقوله‌های دستوری، و همچنین بازنگری روش شناسی تدریس مقوله‌های دستوری با در نظر گرفتن جنبه‌های کلامی و کاربرد شناختی ب) تدوین کتب جدید در مورد نقش‌نماهای گفتمانی یا کاربرد شناختی زبان فارسی، با در نظر گرفتن نقش و توزیع زبان-ویژه آنها و نیز روند تحول آنها، از حیث ساختاری و معنایی.

۵. پی‌نوشت

¹ Hansen, M. M.

² Kaltenbock, G.

³ *Thetical Grammar*

⁴ *theticals*

⁵ Heine, B.

⁶ *cooptation*

⁷ کالتن باخ و دیگران (۲۰۱۱) معتقدند واحدهای گفتمانی مورد نظر در دستور سطح معترضه، تا حد زیادی با آنچه در نوشتگان زبان‌شناسی، معترضه (*parentheticals*) نامیده شده است مطابقت دارد، مثل قیده‌های جمله، بندهای قیدی، تعبیرات تک کلمه‌ای، سؤالات ضمیمه‌ای و بندهای تفسیری. اما بر خلاف این موارد، واحدهای گفتمانی مورد نظر آنها، الزاماً نیازمند یک گفتهٔ میزبان نبوده و ممکن است در حاشیه یک گفته ظاهر شده یا اینکه گفته مستقلی را تشکیل دهند.

⁸ *grammaticalization*

⁹ *pragmaticalization*

¹⁰ Traugott & Dasher

¹¹ *subjectification*

¹² Déry, C.

¹³ Degand & Vandenberg

¹⁴ ماتی (۲۰۱۰) ضمن اشاره به این که نقش‌نماهای گفتمانی عناصری نقشی هستند، معتقد است که معانی مختلفی که آنها اکتساب می‌کنند، بیانگر نقش‌های مختلفی است که در گفتمان انجام می‌دهند. به عبارت دیگر، معانی آنها با توجه به نقشی که ایفا می‌کنند قابل شناسایی است. او بر این باور است که کاربرد زبان، فرایندی نشانه شناختی است که در بردارندهٔ خلق معنا از طریق انتخاب نشانه‌های خاص می‌باشد و این امر همیشه به صورت معنا شناختی نبوده و گاه بیانگر نقشی است که یک عنصر زبانی خاص، در بافت خاص ایفا می‌کند. محققین دیگری همچون تراگوت (۱۹۸۲)،



۱۹۸۹، ۲۰۱۲، برنتون (۲۰۰۸)، هاردر و بوی (۲۰۱۲)، و فسکوآری و دیگران (۲۰۱۲) نیز، این دو اصطلاح را به صورت متناوب بکار می‌برند.

¹⁵ *temporal closure*

¹⁶ *Finell, A.*

¹⁷ *Aijmer, K.*

¹⁸ *discourse closure*

¹⁹ *Fernandes, M.*

²⁰ اختصار را رعایت کن.

²¹ *Grice, H. P.*

²² توصیف نشاندار، بی‌انگیز وضعیّت امور نشاندار است.

²³ *Levinson, S. C.*

²⁴ *epistemic evaluation*

²⁵ *Ghesquiere, L.*

²⁶ *hedging Expressions*

²⁷ *honorifics*

²⁸ *tag expressions*

²⁹ *joint attention*

³⁰ *Diessel, H.*

³¹ الف) بین ذهنی نگرشی: مشتمل است بر معانی‌ای که تصور گوینده را از رابطه‌اش با شنونده و همچنین، توجه گوینده به وجهه خواست‌های شنونده را، رمزگذاری می‌کنند. ب) بین ذهنی واکنشی/فراگفتمانی: مشتمل است بر معانی‌ای که کنش یا رفتار خاصی را (حتی رفتار شناختی) از مخاطب استخراج کرده و به واسطه آن، به تداوم گفتمان کمک می‌کنند. ج) بین ذهنی متنی: مشتمل است بر عناصری که ضمن ایجاد کانون توجه اشتراکی بین گوینده و مخاطب، به صورت خاص، به این سمت جهت‌گیری دارند که تعبیر گفته توسط شنونده را هدایت کنند. از نظر آنها، کلیه عناصر زبانی که برای پیش زمینه‌سازی و یا ایجاد کانون توجه اشتراکی بکار می‌روند، بیانگر معنای بین‌ذهنی متنی هستند.

³² بواسطه آن گوینده، آخرین مورد از موارد بیان شده در یک فهرست و یا نتیجه یک فرایند را برجسته می‌نماید.

³³ لازم به ذکر است که این نقش، در کاربردهای بین‌ذهنی نقش‌نمای گفتمانی «آخه» از شفافیت و در عین حال، پیچیدگی بیشتری برخوردار است. برای اطلاع بیشتر به نورا (۱۳۹۴) مراجعه نمایید.

³⁴ لازم به ذکر است که منشی زاده و تاکی (۱۳۸۸)، ۹۰ مورد نقش‌نما را در گفتمان استدلالی زبان فارسی شناسایی

کرده و معتقدند که نقش‌نماهای مذکور برای، پیوند علت و نتیجه به کار رفته و می‌توانند به سه دسته نقش‌نمای بیانگر علت، نقش‌نمای بیانگر نتیجه، و نقش‌نمای بیانگر علت و نتیجه تقسیم شوند. بعلاوه، آنها معتقدند که نقش‌نماهای استدلالی، در پنج سطح گفتمانی مورد نظر شیفرین (۱۹۸۷)، به کار می‌روند.

³⁵ *Takahara, P. O.*

³⁶ *Sweetser, E.*

³⁷ *Fagard, B.*

³⁸ *epistemic justification*

³⁹ *speech act justification*

⁴⁰ *justification of evaluation*



⁴¹ دگاند و فاگارد (۲۰۱۲)، معتقد هستند که توجه متنی در مقایسه با توجه معرفتی و توجه کنش گفتار، از ذهنی بودن بیشتری برخوردار است. با این وجود، از دیدگاه او، توجه ارزیابی، که بواسطه آن گوینده کنش گفتار ارزیابی خود را، توجه می‌کند بیانگر بیشترین میزان ذهنی بودن می‌باشد.

⁴² برای اطلاع بیشتر، به عموزاده و نورا (۱۳۹۳) و نورا (۱۳۹۴) مراجعه نمایید.

⁴³ Symmetric

۶. منابع

خدا پرستی، فرج اله (۱۳۷۶)، فرهنگ واژگان مترادف و متضاد، شیراز: انتشارات دانشنامه فارس.

عموزاده، محمد و نورا، اعظم (۱۳۹۳)، دستوری شدن تسلسلی عبارت «یعنی» از منظر دستورگفتمان، پژوهش‌های زبانی، سال پنجم، شماره ۱، ۹۳-۷۵.

عمید، حسن (۱۳۴۲)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات ابن سینا.

محمد، پادشاه (۱۳۶۳)، فرهنگ جامع فارسی، تهران: انتشارات حیدری.

معین، محمد (۱۳۷۴)، فرهنگ معین، تهران: انتشارات امیر کبیر.

Aijmer, K. (2002). *English discourse Particles*. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.

Degand, L. & Fagard, B. (2012). *Competing connectives in the casual domain*. *Journal of Pragmatics*, 44 (2), 154-168.

Degand, L. & Simon Vandenberg, A. (2011). *Introduction: Grammaticalization and (inter)subjectification of discourse markers*. *Linguistics*, 49(2), 287-294.

Dér, C. (2010). *On the status of discourse markers*. *Acta Linguistica Hungarica*, 57(1), 3-28.

Diessel, H. (2006). *Demonstratives, joint attention and the emergence of grammar*. *Cognitive Linguistics*, 17, 463-489.

Fernandes, M. & Maldonado, R. (2006). *Syntactic determiners of pragmatic markers of closure*. *Belgian Journal of Linguistics*, 20, 19-45.

Finell, A. (1992). *The repertoire of topic changers in personal, intimate letters: A diachronic study of Osborne and Woolf*. In Rissanen, M., Kyto, M., & Palander-Collin, M. (Eds.), *History of Englishes: New methods and interpretations in historical linguistics*, (pp. 720-735). Berlin: Mouton de Gruyter.



- Ghesquiere, L., Brems, L., & Velde, F. (2012). *Intersubjectivity & intersubjectification: Typology & operationalization*. *Journal of English Text Construction*, 5(1), 128-152.
- Grice, H. P. (1975). *Implicature*. In Cole, P. & Morgan, J. L. (Eds.), *Syntax and semantics: Speech acts*, (pp. 41-58). New York: Academic Press.
- Hansen, M. M. (1998). *The semantic status of discourse markers*. *Lingua*, 104(3), 235-260.
- Heine, B. (2013). *On discourse markers: Grammaticalization, pragmaticalization, or something else?* *Linguistics*, 51(6), 1205-1247.
- Heine, B. & Kaltenböck, G. (forthc. a) *Sentence grammar vs. thetical grammar: Two competing domains? To appear in Moravcsik, E. & Malchukov, A. (Eds.), Competing motivations*.
- Heine, B., Kaltenböck, G., & Kuteva, T. (forthc. b). *On the evolution of final particles*. In Hancil S. (Ed.), *The role of affect in discourse markers*. Rouen: PURH.
- Kaltenböck, G., Heine, B., & Kuteva, T. (2011). *On thetical grammar*. *Studies in Languages*, 35(4), 848-893.
- Levinson, S. C. (2000). *Presumptive meanings: The theory of generalized conversational implicatures*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Sweetser, E. (1990). *From etymology to pragmatics: Metaphorical and cultural aspects of semantic structure*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Takahara, P. O. (1998). *Pragmatic properties of causal connectives in English and Japanese*. In Mey, J. L. (Ed.), *Pragmatics and beyond*, (pp. 65-91). Amsterdam: John Benjamins Publishing Company.
- Traugott, E. (1989). *On the rise of epistemic meaning in English: An example of subjectification in semantic change*. *Language*, 65(1), 31-55.
- Traugott, E. (1995). *The role of the development of discourse markers in a theory of grammaticalization*. Paper presented at the 12th International Conference on Historical linguistics, Manchester.
- Traugott, E. (2004). *Exaptation and grammaticalization*. In Akimoto, M. (Ed.), *Linguistic studies based on corpora*, (pp. 133-156). Tokyo: Hituzi Syobo Publishing.
- Traugott, E. & Dasher, R. (2002). *Regularity in semantic change*. Cambridge: Cambridge University Press.

SID



ابزارهای
پژوهش



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری
STES



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



تازه های آموزش
آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقالات ISI

آموزش مهارت های کاربردی
در تدوین و چاپ مقالات ISI



تازه های آموزش
روش تحقیق کمی

روش تحقیق کمی



تازه های آموزش
آموزش نرم افزار Word برای پژوهشگران

آموزش نرم افزار Word
برای پژوهشگران